



# آیات خلافت دولت استبداد است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مترجم: مسلم "کاکر"

# آیا خلافت

## دولت استبداد است؟

نشر اول دري

دلو ۱۳۹۶ ه.ش - جنوری ۲۰۱۸ م

نشرات امت

کابل - افغانستان

info@hizb-afghanistan.com  
www.hizb-afghanistan.com

www.hizb-ut-tahrir.info  
www.qeyaam.com

تصویری که در صفحه بیرونی گنج‌نیده شده، نمایان‌گر نقشه اولین قرن حاکمیت دولت خلافت می‌باشد. با وجود این که شماری زیاد از زبان‌ها، رسوم، ادیان، عرف‌ها، قوانین و فرهنگ‌ها تحت چتر دولت خلافت قرار داشت؛ اسلام برای تشکیل یک جامعه واحد از این مردم مختلف در اسرع وقت کامیاب بود. خلافت برخلاف امپراطوری بیزانس، این موفقیت را از طریق حاکمیت مستبدانه و مشت آهنین بدست نیاورده بود؛ بلکه بالای کسانی که حاکمیت داشت، گروه گروه به اسلام می‌گرویدند و از دل وجان حاکمیت دولت اسلامی را پذیرفته و حمایت می‌نمودند.

## فهرست مطالب

۱	معرفی.....
۴	حکومت استبدادی (توتالیتریزم) چیست؟ .....
۶	۲ خصوصیت اول .....
۶	یک مبداء رسمی که خواستار متابعت کلی بوده برای .....
۶	مبداء رسمی .....
۷	'مرحله عالی نهایی' - دولت واحد کامل .....
۹	مسلمان "نژاد برتر" .....
۱۰	۳ خصوصیت دوم .....
۱۰	حزب جمیع یکه تاز .....
۱۰	احزاب سیاسی در اسلام .....
۱۳	۴ خصوصیت سوم .....
۱۳	کنترول انحصاری ارتش نظامی .....

۱۳	.....	خلافت یک رژیم نظامی نیست.
۱۴	.....	جلوگیری از سوء استفاده نیروهای مسلح.
۱۵	.....	۵ خصوصیت چهارم.
۱۵	.....	حق انحصار اسالیب رسانه‌های جمعی تاثیرگذار.
۱۹	.....	۵ خصوصیت ششم.
۱۹	.....	سیستم کنترل تروریستی ذریعه پولیس.
۲۰	.....	شکنجه ممنوع است.
۲۰	.....	پروسه قضایی.
۲۱	.....	حریم خصوصی/عامه.
۲۴	.....	۶ خصوصیت هفتم.
۲۴	.....	کنترل مرکزی و اداره کل اقتصاد.
۲۴	.....	ملکیت عمومی/خصوصی.
۲۵	.....	تعیین نرخ.
۲۶	.....	پول چاپی (کاغذی).
۲۶	.....	مالیات.
۲۸	.....	نتیجه گیری.
۳۰	.....	منابع و مآخذ.

## معرفی

اکنون حمایت فراگیر از احیای دوباره خلافت برای همه‌گان روشن گردیده است. نظرسنجی پس از نظرسنجی، رای گیری پس از رای گیری نشان می‌دهد که اکثر مسلمانان خواهان شریعت اسلامی و خلافت می‌باشند. بزرگ‌ترین نمونه این حمایت در اگست سال روان زمانی که حزب‌التحریر کنفرانس بزرگ خلافت را در اندونیزیا برگزار نمود، نمایش داده شد. به تعداد ۱۰۰ هزار تن مسلمان در آن حضور داشتند و استدیوم فوتبال را کاملاً با میلیون‌ها افراد دیگر در سراسر جهان که پشتیبانی‌شان را از این کنفرانس ابراز می‌نمودند، پر نموده بودند.

این دعوت رو به رشد خلافت، امواج فشاردار قوی را در سراسر جهان غرب و مزدوران‌شان که در جهان اسلام حاکمیت می‌کند، ایجاد نمود. در نتیجه، گفته می‌توانیم که تمام ارزش‌های اسلام از عقیده اسلامی گرفته تا نظام دولتی اسلامی در حال حاضر تحت حمله قرار دارد.

عن أبي أمارة الباهلي رضي الله عنه: أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: "لتنقض عرى الإسلام عروة عروة فكلما انتقضت عروة تشبثت بالتي تليها و أول نقضها الحكم و

آخرها الصلاة" (المستدرک ۴ / ۱۰۴)

از ابوامامه باهلی رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله وعلیه وسلم فرمود: "قطعاً گره‌های اسلام یکی پی دیگری از بین خواهند رفت. هر گاه یک گره از بین برود، مردم گره مابعد آنرا محکم می‌گیرند. اولین گره حکم و آخرین آن نماز خواهد بود.

از این که کافر استعمارگر نمی‌تواند هیچ استدلالی معتبر علیه قوت عقیده اسلامی بیاورد، به توهین‌های ذلیلانه و تحقیرآمیز نسبت به پیامبر محبوب ما-حضرت محمد صلی الله علیه وسلم- روی می‌آورند. کارتون‌های دانمارکی و گفته‌های پاپ به اندازه کافی زشت و بد هستند، اما بدتر از آن اینست که این حمله در یک کشور مسلمان نشین مثل: بنگلادیش در ماه مبارک رمضان اتفاق می‌افتد!۴

چند هفته پس از کنفرانس خلافت در اندونیزیا، جورج بوش رئیس جمهور امریکا در سخنرانی خود وعده داد با کسانی که قصد احیای دوباره خلافت را دارند، مبارزه خواهد کرد. او در مورد امریکا سخن زد که "سخت درگیر مبارزه مبدایی بزرگ است. مبارزه با افراط‌گرایان اسلامی در سراسر جهان". او این افراط‌گرایان را به عنوان افرادی که امیدوارند دیدگاه تاریک شان را در سراسر خاورمیانه از طریق ایجاد دولت افراطی خلافت که از اسپانیا شروع تا اندونیزیا وسعت می‌داشته باشد، تعریف نمود.۵

این مبارزات تبلیغاتی مخرب نباید به مؤمنان شگفت انگیز باشد؛ چون زمانی پیامبر صلی الله وعلیه وسلم دعوت خود را در مکه آغاز کرد، قریش هم نخستین بار او را نادیده گرفتند و فکر کردند که فراخوانی او بیشتر از سخنان راهبان و داستان سرايان است و مردم در نهایت به عقیده پدران و اجداد خود باز خواهند گشت. هرگاه او صلی الله وعلیه وسلم از نزد آنها می‌گذشت. می‌گفتند: "این پسر عبدالمطلب است که برایش از آسمان‌ها سخن گفته می‌شود." با این حال، وقتی دعوت در مکه ریشه گرفت، تاثیر زیادی بالای مردم گذاشت و از آن زمان، شکنجه، شایعه پراگنی و تحریم بالای مسلمانان آغاز شد. از آنجائیکه امروزه کار دعوت به خلافت در کشورهای مسلمان نشین عمیقاً ریشه‌دار گردیده است. بناً ما شاهد مبارزه مشابهی از شکنجه و شایعه پراگنی برای جلوگیری از احیای دوباره آن هستیم.

بخشی از این مبارزه برای خدشه‌دار نمودن بیش از حد خلافت می‌باشد تا اقدامات فوق العاده‌ای مانند: ترور، شکنجه و زندان‌های سیاسی، مثل: خلیج گوانتانامو را غرب بتواند در امر تاسیس دوباره خلافت توجیه نماید.

این جایی است که تصویر دولت خلافت به عنوان یک دولت مستبد مساویاً با آلمان نازی شمرده می‌شود. اصول نازی (نازیسم) برای دولت‌های غربی در نهایت شرارت معرفی شده است و آنها هر گونه اقداماتی را برای جلوگیری از بازگرداندن آن حمایت می‌کنند. به همین دلیل دشمنان اسلام مانند: حزب محافظه کاران جدید امریکا و پیروان آنها در اروپا یک مبارزه مخرب را برای یکسان فرض کردن اسلام با اصول نازی و حکومت استبدادی (توتالیتریسم) آغاز کرده‌اند.

## حکومت استبدادی (توتالیتریزم) چیست؟

توتالیتریزم یا حکومت استبدادی یک اصطلاح تخنیکی است که برای توصیف حکومت‌هایی که قدرت سیاسی آنها تحت کنترل کامل و متمرکز بر تمام جنبه‌های زندگی باشد که در آن فرد تابع دولت بوده و مخالفت سیاسی و فرهنگی آنها سرکوب شود، گفته می‌شود.

جنبه‌های کامل تطبیقی حکومت استبدادی را می‌توان در هر کشور جهان دید. در جهان غرب، تعدادی بیش از حد دولت به آزادی‌های مدنی از طریق اقدامات، مانند: سرکوب نمودن سیاسی، شکنجه و جاسوسی گسترده، مطلقاً بسیاری از جنبه‌های دولت‌های مستبد را نشان می‌دهد.

با این حال، برچسپ فضای اتهام سیاسی امریکا مبنی بر جنگ علیه تروریسم و علیه مسلمانان ناشی از یک سیاق می‌باشد و آن عبارت از سرکوب نمودن کسی که برای خلافت آینده دعوت می‌کنند.

جورج دبلیو بوش، رئیس جمهور اسبق امریکا گفت: "این خلافت امپراتوری مستبد اسلامی است که تمام جریان‌ات و سرزمین‌های سابق مسلمان را شامل می‌شود که از اروپا تا شمال آفریقا، خاور میانه و جنوب شرقی آسیا وسعت می‌داشته باشد." ۸

دیوید کامرون، رهبر حزب محافظه کار در بریتانیا گفت: "در عقب نیروی محرکه تهدید تروریستی امروز، بنیادگرایی اسلامی قرار دارد. مبارزه‌ای که ما درگیر آن هستیم، از ریشه،

مبدایی است. در طول قرن گذشته موجی از تفکر اسلام‌گرایان بوجود آمده است که مثل سایر استبدادگرایان، شبیه اصول نازی‌گرایی و کمونیزم بوده که به پیروان خود موفقیت را از طریق خشونت به معرفی می‌گیرد.<sup>۹</sup>

تونی بلیر، نخست وزیر اسبق بریتانیا، گفت: "خارج از این منطقه در خاورمیانه مبداء مرگباری گسترش یافته که براساس مخالفت با اسلام ناب استوار می‌باشد؛ ولی با مهارت شیطانی برای ترس و ناراحتی مسلمانان در همه جا بازی می‌کند. تشابهات هرگز با گذشته مطلقاً دقیق نبوده و تشابهات با فاشیسم رو به رشد می‌تواند به راحتی گمراه کننده باشد، اما در زمان‌بندی خالص، من گاهی اوقات متحیر می‌شوم که ما در ۱۹۲۰ یا ۱۹۳۰ نباشیم."

ویژگی‌های کلیدی رژیم استبدادی توسط مورخین امریکایی هریک کارل فریدریک و زیگنیو بریزنسکی در کتاب دیکتاتوری توتالیتیه و خودکامگی (۱۹۵۶) به معرفی گرفته شده است. طرح و مدل آنها از تاریخ قرن بیستم (به ویژه کمونیزم و اصول نازی) مشتق شده و دارای شش ویژگی کلیدی می‌باشد:

۱. یک مبداء رسمی که خواستار متابعت کلی بوده و این مبداء برای رسیدن به "مرحله نهایی تکامل بشری" تلاش می‌ورزد.

۲. یک حزب واحد انسانی که براساس سلسله مراتب سازمان یافته وبا دولت بوروکراسی

(دیوان سالاری) داشته و بطور معمول توسط یک شخص رهبری می‌شود؛

۳. کنترل انحصاری نیروهای مسلح؛

۴. انحصار وسیله ارتباط جمعی موثر؛

۵. سیستم کنترل پولیس تروریستی؛

۶. کنترل اساسی و جهت دهی تمام اقتصاد.

هر کدام از این شش عرصه به نوبه خود مورد بررسی قرار می‌گیرد تا دیده شود که آیا مدل

استبدادی به نوعی با نظام حکومت‌داری خلافت قابل مقایسه می‌باشد یا خیر.

## ۲ خصوصیت اول

**یک مبداء رسمی که خواستار متابعت کلی بوده برای رسیدن به "مرحله نهایی تکامل بشری" تلاش می‌ورزد.**

### مبداء رسمی

خلافت مانند سایر دولت‌های مبدایی از قبیل: امریکا و بریتانیا یک دولت مبدایی اسلامی بوده می‌باشد. سیستم حکومت‌داری این دولت‌ها از طرز دید آنها نسبت به حیات ایجاد می‌گردد. چنانچه طرز دید خلافت از حیات عبارت از عقیده اسلامی می‌باشد که از آن قوانین شریعت جهت حکم بر امور زندگی سرچشمه می‌گیرد. درحالی‌که طرز دید امریکا و بریتانیا نسبت به حیات مبتنی بر سکولاریزم (جدائی دین از زندگی) استوار است که از آن دموکراسی و نظام اقتصادی سرمایه‌داری سرچشمه می‌گیرد. نظام اقتصادی سرمایه‌داری بخش عمده‌ای از مبداء آنها بوده و به همین دلیل آنها را بنام کشورهای سرمایه‌داری می‌نامند.

این‌که خلافت بر اساس مبداء اسلام استوار می‌باشد، بدان معنا نیست که همه کسانی که در زیر چتر آن زندگی می‌کنند باید مسلمان شوند. تابعیت خلافت مبنی بر زندگی دایمی افراد در سرزمین دولت خلافت بدون در نظر داشت قومیت و عقیده آنها ایجاد می‌شود. این یک امر الزامی نیست که کسی باید مسلمان شود و ارزش‌های اسلام را بپذیرد تا تابع دولت خلافت

شمرده شود. مسلمانانی که در خارج از دولت اسلامی زندگی می‌کنند از حقوق تابعیت برخوردار نیستند، در حالی که یک غیرمسلمان که بطور دائمی در داخل قلمرو دولت اسلامی زندگی کند، از تابعیت دولت برخوردار است.<sup>۱۱</sup>

سؤال دیگری ممکن در مورد اکثر مکاتب فکری (مذاهب) از قبیل سنی‌ها و شیعیان که در میان مسلمانان وجود دارد، ایجاد شود. آیا دولت خلافت یکی از مکاتب فکری را تبنی می‌کند و آن را بالای همه افراد اعمال می‌کند؟

خلافت تنها قوانین را که برای مصالح امور زندگی لازم باشد، از شریعت تبنی می‌کند. دولت اسلامی احکام شرعی که مربوط به عبادات باشد را تبنی نمی‌کند به استثنای احکام زکات و جهاد که اهمیت اجتماعی دارند. قوانین الهی مربوط به عبادت را به جز زکات و جهاد نمی‌پذیرند. هم‌چنان هیچ یکی از افکار که مربوط به عقیده اسلامی باشد را تبنی نمی‌کند.<sup>۱۲</sup> بنابراین خلافت دولت سنی و یا دولت شیعه نخواهد بود. هر مسلمانی بدون رعایت مکتب فکری‌اش به حال خودش گذاشته می‌شود تا اعمال خویش را بدون دخالت دولت انجام دهد.

### 'مرحله عالی نهایی' - دولت واحد کامل

نظام حکومتی خلافت برای ایجاد یک دولت کامل سیاسی و یا "تژاد برتر" تلاش نمی‌ورزد. هدف آن صرفاً تطبیق شریعت است.

الله سبحانه و تعالی شریعت را برای تطبیق بالای انسان‌ها فرستاده، نه بالای فرشته‌گان. هیچ توقع نمی‌رود که جامعه اسلامی یک جامعه کامل باشد که در آن هرگز ارتکاب جنایت صورت نگیرد.

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

"وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ أَنَّكُمْ لَا تُذَنَّبُونَ، فَتَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ، فَيَغْفِرُ لَكُمْ، لَذَهَبَ اللَّهُ بِكُمْ، ثُمَّ جَاءَ بِقَوْمٍ يُذَنَّبُونَ فَيَسْتَغْفِرُونَ، فَيَغْفِرُ لَهُمْ"

قسم به آن که روح من در دست او است، اگر شما گناه نکنید، الله سبحانه و تعالی شما را از بین

می‌برد و مردمی را می‌آورد که گناه می‌کند و سپس از الله سبحانه و تعالی بخشش می‌خواهند  
 و او تعالی آنها را می‌بخشد. ۱۳

پیامبر صلی الله علیه وسلم رهبر بهترین دولت اسلامی بود؛ اما در دوران دولت او، مسلمانان، غیر مسلمانان و منافقان زندگی می‌کردند. زناکار، دزدان و قاتلان نیز وجود داشت. در عصر خلافت راشد، بسیاری از مشکلات وجود داشت تا جایی که فتنه (شورش) در زمان حضرت علی رضی تعالی عنه انتشار یافت. علی رغم این همه، شریعت تطبیق شد و شریعت اختلافات و مشکلات اتفاق افتیده را حل کرد.

علاوه بر این، پیامبر صلی الله علیه وسلم برای مسلمانان در مورد حاکمان بعدی ظالم در دولت خلافت هشدار داده است. مسلم از حدیثه ابن الیمان روایت می‌کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

"سَتَكُونُ أُمَّةٌ لَا يَهْتَدُونَ بِهَدْيِي، وَلَا يَسْتُنُونَ بِسُنَّتِي، وَسَتَكُونُ رِجَالٌ قُلُوبُهُمْ قُلُوبُ الشَّيَاطِينِ فِي أَجْسَادِ الْإِنْسِ" قُلْتُ: كَيْفَ أَصْنَعُ إِنْ أَدْرَكَنِي ذَلِكَ؟ قَالَ: "تَسْمَعُ وَتَطِيعُ لِلْأَمِيرِ الْأَعْظَمِ، وَإِنْ ضَرَبَ ظَهْرَكَ، وَأَخَذَ مَالَكَ، فَاسْمَعْ وَأَطِعْ"

پس از من امامانی خواهند آمد که با هدایت من رهنمود نمی‌شوند، و نه آنان بر اساس سنت من عمل خواهند کرد؛ بعضی از مردان در میان شما با قلب‌های شیطان و ظاهر انسان خواهند آمد. حدیثه پرسید: اگر حیات باقی بود و من شاهد آن زمان بودم، چی کار کنم؟ او صلی الله علیه وسلم گفت: "باید از امیر خود اطاعت کنی حتی اگر او بر پشتت با شلاق زد و پولت را گرفت؛ به او گوش کن و ازش اطاعت کن." ۱۴

## مسلمان "نژاد برتر"

اسلام برای ایجاد نژاد برتر باور ندارد که در آن تمام غیر مسلمانان به گرویدن به اسلام مجبور شوند. موجودیت غیر مسلمانان و اماکن عبادت آنها در جهان اسلام با وجود این که اسلام

بیش از ۱۳۰۰ سال حاکم بوده است، شواهدی واضح برای نشان دادن این مسئله بوده است. پیامبر صلی الله علیه وسلم به مردم یمن نوشت:

"...ومن كان على يهوديته أو نصرانيته فإنه لا يُفتن عنها وعليه الجزية "

هرکسی که در یهودیت و یا مسیحیت خود باقی بماند، به خاطر آن عذاب نخواهد شد، و اوفقط مکلف به پرداخت جزیه است." ۱۶

مفهوم "به خاطر آن عذاب نخواهد شد" به این معنی است که اهل ذمه (اتباع غیر مسلمان) به پیروی از عقاید و عبادات شان آزاد گذاشته می‌شوند.

## ۳ خصوصیت دوم

### حزب جمیع یکه تاز

در طرح‌های سنتی حکومت استبدادی کمونیزم و اصول نازی تنها یک حزب رسمی وجود داشت. اتحاد جماهیر شوروی یک حزب کمونیستی داشت و آلمان نازی یک حزب ملی سوسیالیستی آلمان (Nationalsozialistische Deutsche Arbeiterpartei) که کلمه نازی از آن مشتق شده است. درین اواخر، حزب بعث در عراق تحت قیادت صدام حسین یگانه حزب رسمی دولت بود، طوری که سایر احزاب تحت فشار آن قرار داشت.

در چنین جوامع هر تبعه‌ای که آرزوی پیشرفت را در جامعه داشت باید به حزب رسمی دولت می‌پیوست. آنهایی که از پیوستن با حزب ابا می‌ورزیدند به سوی شان با دیده شک‌نگریسته شده و از حقوق و امتیازاتی که اعضای حزب مستفید می‌شدند، بی‌نصیب می‌شدند. کشورهای غربی از طرح دموکراتیک چندحزبی با بسیاری از احزاب سیاسی موجود جهت رقابت برای قدرت استفاده می‌کنند. اگر چه در واقعیت بطور عموم تنها دو حزب بزرگ سیاسی وجود دارد که فرصتی برای به دست آوردن قدرت دارد. طوری که اختیار قدرت در امریکا میان احزاب جمهوری خواهان و یا دموکرات‌ها بوده و در بریتانیا بین کارگران و محافظه‌کاران.

## احزاب سیاسی در اسلام

اسلام نه تنها اجازه ایجاد احزاب سیاسی را داده؛ بلکه آن را بالای امت مسلمه واجب قرار داده تا حداقل یک حزب را ایجاد نمایند. اگرچه اعضای دولت خلافت در اکثر موارد اعضای احزاب سیاسی می‌باشند. دولت خلافت چنانچه در نظام دموکراسی غربی دیده می‌شود دارای سیستم حکومتی حزبی نیست. به عبارت دیگر هیچ یکی از احزاب نمی‌تواند اداره امور دولت را بدست گیرد. احزاب سیاسی در دولت خلافت صرف برای محاسبه رئیس دولت (خلیفه) و دولت او ایجاد می‌شوند. وظیفه آنها حفاظت از افکار اسلامی در جامعه بوده و متوجه می‌باشند که دولت از تطبیق و دعوت اسلام منحرف نشود. هیچ الزامی به پیوستن به حزبی برای کسب عضویت دولت اسلامی و یا پیشرفت نمودن در جامعه وجود ندارد.

حق اتباع خلافت برای ایجاد احزاب سیاسی از قرآن مجید گرفته شده. هیچ جوازی از سوی دولت اسلامی در کار نیست؛ زیرا شریعت آنرا اجازه داده است. چنانچه آیه زیر برای ساختن احزاب سیاسی دستور می‌دهد.

الله سبحانه وتعالی می‌فرماید:

﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [آل عمران: ۱۰۴]

باید از میان شما گروهی باشد که شما را به خیر (اسلام) دعوت کند، به معروف (حسنات) امر کند و از منکرات (شر) نهی کند، و آنها از جمله رستگاران هستند. ۱۸

امر کردن به ایجاد یک گروه یا گروه‌ها، به معنی ایجاد احزاب سیاسی است. این از واقعیتی گرفته شده است که آیه کریمه وظیفه و مکلفیت گروه را مشخص می‌کند که آن همانا دعوت به سوی اسلام، امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد. بدین ترتیب این شامل حاکمان می‌شود، و به معنی قایم نمودن تکلیف آنهاست. مسئول دانستن حاکمان، وظیفه سیاسی است که توسط احزاب سیاسی انجام می‌شود و از جمله مهم‌ترین وظیفه احزاب سیاسی به شمار می‌رود.

بنابراین، آیه کریمه وجوب تشکیل احزاب سیاسی را که دعوت اسلام را به پیش می‌برند، امر به معروف و نهی از منکر نموده و حکام را برای انجام اعمال و رفتارشان محاسبه می‌کنند را نشان می‌دهد. ۱۹

پس کارکرد احزاب سیاسی در داخل دولت خلافت دستیابی به قدرت نیست، زیرا هیچ مفهوم سیستم حزبی دولت در آن وجود ندارد. احزاب سیاسی چندگانه اسلامی می‌توانند وجود داشته باشند و برای بهبود کل جامعه تلاش ورزند، نه محض برای منافع شخص خود شان قسمی که در کشورهای غربی دیده می‌شود.

## ۴ خصوصیت سوم

### کنترل انحصاری ارتش نظامی

#### خلافت یک رژیم نظامی نیست

خلیفه سرقوماندان اعلی نیروهای مسلح بوده و همه جنرال‌ها و لوی درستیز ارتش را تعیین می‌کند. خلیفه به مثابه سرقوماندان اعلی نیروهای مسلح تشریفاتی دولت نیست. چنانچه در اکثر دولت‌های غربی دیده می‌شود، او تنها کسی است که سیاست‌های نظامی و جنگی را در داخل و خارج از کشور سرپرستی می‌کند. این مسئله این را بیان می‌کند که نیروهای مسلح تحت کنترل کامل اجرایی دولت قرار دارند و نمی‌توانند مستقلانه عمل کنند و کودتاهی را علیه دولت انجام دهند؛ چون ما شاهد وقوع چنین موارد متعدد در کشورهای مسلمان نشین مثل: ترکیه و پاکستان بوده‌ایم. با این حال، این به هیچ وجه معنی آنرا نمی‌دهد که خلافت یک رژیم نظامی است و قانون را از طریق ارتش اجرا می‌کند.

تفکر نظامی کاملاً جدا از تفکر سیاسی نگهداشته می‌شود که آن برای رسیدگی به امور مردم می‌باشد. اگرچه تفکر نظامی در حوزه‌ای کوچک دستگاه نظامی قوی و اجرای سیاست جنگ بسیار مهم پنداشته می‌شود، اما نباید هرگز از این نقش اش فراتر رود. زیرا زمانی که سربازان کار خود را با ظرفیت نظامی که دارند منحیث کارشناسان انجام می‌دهند و در کارزار

خویش برای مداخلات و تأثیرات افکار عمومی جهان، تلاش‌های دیپلوماتیک، قدرت‌های معنوی و اخلاقی و یا ارزش مانورهای سیاسی دخالت ندارند. نظر آنها از میان نظریات دیگر تنها نظری است که خلیفه در زمان تبنی قضاوت سیاسی خویش روی یک مسئله از آن استفاده می‌کند. ۲۱

### **جلوگیری از سوء استفاده نیروهای مسلح**

ارتش امتیاز انحصاری خلیفه نبوده که از آن برای منافع شخصی خود استفاده کند؛ چون این نیروها تنها با دلایل شریعی قابل استفاده می‌باشد. ارتش نمی‌تواند غیرقانونی و به هدف ارتکاب هرگونه ظلم مورد استفاده قرار گیرد. ولی اگر به هر دلیلی دیده شود که از نیروهای مسلح توسط خلیفه سوء استفاده صورت گرفته باشد، بعداً محکمه مستقل قضایی دیوان اعمال نامنصفانه (محکمه مظالم) موضوع را مورد بررسی قرار داده و برای حل مسئله قضاوت را انجام می‌دهد.

## ۵ خصوصیت چهارم

### حق انحصار اسالیب رسانه‌های جمعی تأثیر گذار

دولت خلافت حق انحصار رسانه‌ها را ندارد. هر اتباع دولت اسلامی اجازه دارد تا هرگونه رسانه‌ای مثل: روزنامه‌ها، مجلات، رادیو و تلویزیون را راه اندازی کند. هرچند برای ایجاد این نوع رسانه‌ها جواز لازم نیست، ولی وزارت امور اطلاعات (دایره الاعلام) باید از تاسیس آنها خبر داده شد. در زمینه رسانه‌ها به مانند هر کشور دیگری محدودیت‌های برای پخش عمومی مطبوعات وجود دارد؛ چنان‌چه فعالیت شان باید طبق قانون باشد، نمی‌توانند اطلاعات حساس مرتبط به امنیت عمومی را بدون اجازه قبلی وزارت اطلاعات منتشر نمایند. افتراء زدن و توهین کردن، تحریکات، نژاد پرستی، توهین به باورهای دینی و انتشار فرهنگ‌های باطل و گمراه کننده در شریعت مجاز نمی‌باشد.

خارج از این محدودیت‌ها، رسانه‌ها در داخل دولت خلافت صلاحیت کامل برای محاسبه نمودن خلیفه و دولت او را دارند و هر گونه ظلم و ستم از سوی دولت (مظلومه) یا مسائل دیگری که باعث خطر و یا خلاف مصالح جامعه می‌باشد را دربر می‌گیرد. رسانه‌ها می‌توانند این مسایل را بدون ترس از دستگیری یا آزار و اذیت بررسی و نشر نمایند.

نقش رسانه‌ها را در هر جامعه‌ای، به ویژه دولت خلافت نمی‌توان نادیده گرفت؛ چون وظایف آنها از جمله وجایب عامی که منجر به امر به معروف و نهی از منکر می‌گردد، می‌شود

که آن از مکلفیت هر تبعه‌ای دولت اسلامی می‌باشد. در زمینه رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده است:

"وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ، وَلَتَنْهَوُنَّ عَنِ الْمُنْكَرِ، أَوْ لَيُوشِكَنَّ اللَّهُ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عِقَابًا مِنْهُ، ثُمَّ تَدْعُونَهُ فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ" (رواه الترمذی)

سوگند به ذاتی که نفسم در حیطة قدرت اوست، همانا به کارهای پسندیده امر نموده و از کارهای ناپسند منع می‌کنید، یا نزدیک است که الله بر شما عذابی از نزد خویش بفرستد و سپس او را بخوانید و او دعای شما را اجابت نکند.

اسلام هم‌چنین بر اهمیت محاسبه نمودن حاکم مستبد تاکید کرده است، حتی اگر آن به مرگ شما منجر شود. رسول الله صلی الله علیه و سلم می‌فرماید:

"سید الشهداء حمزة بن عبد المطلب ورجل قام إلى إمام جائر فأمره ونهاه فقتله"

(رواه الحاکم علي شرط الصحيحین)

سید الشهداء یکی حمزه بن عبدالمطلب است و دیگری، آن کس است که در برابر امام(حاکم) ستمگری بایستد و او را امر و نهی کند که این امر به کشته شدنش بیانجامد.

مسلمانان عادی در دولت خلافت، بغیر از الله سبحانه و تعالی از هیچ کس دیگری نمی‌ترسند. این به آنها قدرت می‌دهد تا در مقابل خلیفه ایستادگی نموده و او را در صورت لزوم به شدت محاسبه نمایند. این در مثال ذیل در زمان خلیفه معاویه (رحمت الله علیه) بیان می‌گردد. یک روز جریه ابن قدمه سعدی نزد معاویه آمد که وی در آن زمان، رئیس دولت اسلامی بود. سه تن از وزرای امپراتوری روم نیز اتفاقاً حضور داشتند. معاویه به جریه گفت: "آیا شما یکی از متفقین حضرت علی رضی تعالی عنه در تمام رای‌های شان نیستید؟" جریه گفت: "علی رضی الله تعالی عنه را کنار بگذار، از زمانی که او را دوست داشتیم، او را حقیر نشمردیم و نه در وقت مشوره دادن با او غشی نمودیم."

بعد از آن معاویه به او گفت: "وای بر تو ای جریه! حتماً از چشم پدر و مادرت نیز افتاده‌ای، از همین رو آنها ترا جریه (به معنی دختر برده یا خدمتکار) می‌نامند."  
جریه پاسخ داد: "حتماً تو نیز از چشم پدر و مادرت افتاده‌ای و از همین خاطر ترا معاویه می‌نامند؛ یعنی به معنی سگی ماده‌ای که در گرما جف زده و دیگر سگ‌ها را تحریک می‌کند.  
معاویه فریاد زد: "ساکت شو او بی‌مادر!

جریه پاسخ داد: "تو ساکت شو او معاویه! (او امیر مؤمنان نگفت) زیرا من یک مادری دارم که مرا برای شمشیرهای که روزی توسط آن با تو مواجه شدیم به دنیا آورد. سپس ما بیعت اطاعت را به تو دادیم و تا زمانی که بالای ما با آنچه که الله سبحانه و تعالی امر فرموده حکم‌نمایی ازت می‌شنویم و اطاعت می‌کنیم. بنابراین، اگر به وعده خویش وفا کردی، ما برایت وفادار می‌مانیم و اگر نتوانستی وعده خود را حفظ کنی، به یاد داشته باش که برخی از مردان وحشی با مقدار زیادی زره پوش در عقب ما هستند، آنها نمی‌گذارند تا تو از آنها سوء استفاده کنی و یا به آنها آسیب برسانی."

معاویه فریاد زد: "خدا مرا از شر اشخاص مثل شما نجات دهد!"  
جریه پاسخ داد: "تو! (باز هم به او امیر مؤمنان نگفت)، چیزی خوب بگوئید و فروتن باشید، زیرا بدترین حاکمان در آتش جهنم هستند. جریه سپس با غضب فراوان بدون درخواست اجازه محل را ترک کرد."

سه تن از وزراء رو به معاویه کردند و یکی از آنها گفت: "امپراتور روم با هیچ یکی از اشخاص وارد بحث نمی‌شود تا این که همان شخص با پیشانی خود در قسمت پایه تخت وی خم شود. اگر صدای یکی از نزدیک ترین افراد او و یا یکی از اعضای فامیلش بلند شود، باید آن صدا قطعه قطعه بریده شود یا سوختانده شود، چگونه این عرب پست بادیه نشین می‌تواند با رفتار بدش، بسوی شما آید و شما را تهدید کند؟ تو گویی که آنها با شما برابر باشند."

معاویه لبخند زد و گفت: "من بالای مردانی حکومت می‌کنم که زمانی حق برسد از هیچ سرزنشی هراس ندارند و تمام قوم من مثل این بیابان نشین عرب هستند، هیچ کدام از آنها

جز از الله سبحانه و تعالی به کسی دیگر سر خم نمی کنند، هیچ یکی از آنها در قبال بی عدالتی خاموش نمی گیرند. و من نه نسبت به آنها برتر استم و نه بهتر از آنها، جز در تقوا. برخی کلمات زشتی را برای مرد گفتم و او به درستی پاسخ داد، من کسی بودم که شروع کردم، بنابراین من بیشتر از او سزاوار ملامتی استم."

پس از شنیدن این، چشمان وزیر ارشد رومی مملو از گریه شد و معاویه علت آن را پرسید که چرا؟ سپس او گفت: "قبل از امروز ما فکر می کردیم که از دید حفاظت و قوت ما باهم برابر هستیم، اما بعد از دیدن این، از آن می ترسم یک روز شما قدرت خود را بر سر امپراتوری ما گسترش دهید." ۲۶

## ۵ خصوصیت ششم

### سیستم کنترل تروریستی ذریعه پولیس

خلافت دولت پولیسی نیست. شکنجه، جاسوسی، دستگیری و زندانی ساختن خودسرانه در آن ممنوع می‌باشد. تطبیق اسلام عمدتاً بر تقوای مسلمانان (بصیرت الهی) مرتبط می‌باشد. آنها قانون را جدا از اطاعت شان از الله سبحانه و تعالی پیروی می‌کنند. و این کار نیاز نصب نمودن هزاران دوربین‌های امنیتی مدار بسته (CCTV) که شهرهای غرب را کنترل می‌کنند تا از جرایم جلوگیری کنند، را بر طرف می‌کند.

علاوه بر این، مسلمانان به مسئولیت‌پذیری اعتقاد دارند، نه آزادی. روحیه جمعی در دولت خلافت جهت انجام اعمال خوب و صالح به این معنی است که مردم در صورت مشاهده رفتارهای جرمی مداخله خواهند کرد. فرهنگ چشم پوشی از جرم که یک امر عادی در غرب می‌باشد، در دولت خلافت وجود ندارد. این از همان واجبات عامی که قبلاً تذکر یافته بود؛ مثل: امر به معروف و نهی از منکر گرفته شده است.

بنابراین، دستگیری، محکومیت و مجازات افرادی که قوانین را در قلمرو خلافت نادیده می‌گیرند به عنوان آخرین راه حل دیده می‌شود. حتی در برخورد با جنایت‌کاران، آنها حق کامل در خصوص مراحل محاکماتی دارند و نمی‌توان آنها را مورد سوء استفاده یا شکنجه قرار داد تا از آنها اعترافات را حاصل کرد. هر اعترافی حاصل شده از طریق فشار و یا شهادت غلط

کاملاً مردود است. کسانی که در یک محکمه اسلامی شهادت غلط می‌دهند و یا از مظنونی سوء استفاده می‌کنند با مجازات شدید روبه‌رو می‌شوند.

### شکنجه ممنوع است

شکنجه هر شخصی بدون این که ممکن مزایایی اطلاعات استخباراتی را به همراه داشته باشد ممنوع است. خلافت موقوف خویش را به رفتار ذلیلانه هم‌مانند امریکایی‌ها، اسرائیلی‌ها و روش‌های شکنجه "حکومت‌های‌شان" تنازل نمی‌دهد. در مورد مسلم از حشام بن حکیم روایت می‌کند که گفت:

من شهادت می‌دهم که از رسول الله صلی الله علیه و سلم شنیدم که می‌فرمود: الله سبحانه و تعالی کسانی را که مردم را در دنیا مجازات می‌کنند، مجازات خواهد کرد. ۲۷

متن این ترجمه را دریافت نتوانستم ولی مفهوم آن را دریافت کردم که در معجم جلد ۲ صفحه ۲۳۶ در ذیل چنین آمده است:

هم‌چنان در المعجم آمده است:

"مَنْ لَا يَرْحَمُ لِأَيِّرَحْمِهِ." (المعجم، ج ۲، ص ۲۳۶)

کسی که رحم نکند، مورد رحمت قرار نخواهد گرفت.

### پروسه قضایی

دستگیری و بازداشت خودسرانه بدون محاکمه در دولت خلافت ممنوع است. اصل قانونی حکم احضار از سوی محکمه زمانی صورت می‌گیرد که شخص دستگیر شده باید به محکمه قضایی احضار شده و دوسیه‌اش توسط قاضی مربوطه مورد بررسی قرار گیرد. در این مورد عبدالله بن زبیر رضی الله عنه روایت نموده:

"عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الزُّبَيْرِ، قَالَ: قَضَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ الْخَصْمَيْنِ  
يَقْعُدَانِ بَيْنَ يَدَيْ الْحَاكِمِ"

از عبدالله بن زبیر رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وآله و سلم دستور داد  
که دو طرف دعوا روبه روی حاکم و قاضی بنشینند. ۲۸

تمام مظنونین تا زمانی که در محکمه شریعت مجرم ثابت نگردند، بی گناه محسوب  
می شوند. چنان چه رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده است:

"الْبَيِّنَةُ لِلْمُدْعَى وَالْيَمِينُ عَلَى مَنْ أَنْكَرَ" (متفق علیه)

ارایه گواه بر عهده مدعی و سوگند بر مدعی علیه می باشد. ۲۹

### حریم خصوصی/عامه

یکی دیگر از ویژگی های یک دولت مستبد، کنترل و جاسوسی کردن از مردم در خانه ها  
و از امور خصوصی شان می باشد. همان طور که قبلا ذکر شد دولت خلافت حد اقل قوانین را  
از شریعت که برای مصالح امور مردم لازم است تصویب می کند و قوانین مرتبط به عبادات و  
عقیده، به جز زکات و جهاد را تبیی نمی کند. این امر مانع ایجاد مشکلات بین پیروان مذاهب  
مختلف مثل: سنی ها و شیعیان که تحت دولت خلافت با هم زندگی می کنند، می گردد.

اتباع غیر مسلمان (اهل ذمی) برای انجام عبادات و اعمالی که به عقیده شان ارتباط دارد  
از قبیل نوشیدن شراب، خوردن گوشت خوک، ازدواج و طلاق آزاد گذاشته می شوند. ۳۰  
حرمت خانه کسی تحت دولت خلافت نقض نمی شود. مسلم از ابو هریره رضی الله عنه  
روایت نموده که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود:

"مَنْ أَطَّلَعَ فِي بَيْتِ قَوْمٍ بَعِيرٍ إِذْنَهُمْ، فَقَدْ حَلَّ لَهُمْ أَنْ يَفْقَهُوا عَيْنَهُ"

رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: هر که در خانه ای مردم بدون اجازه نگاه کند، یقیناً

کشیدن چشم وی برای آنها رواست. ۳۱.

هم‌چنین الله سبحانه و تعالی در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا ...﴾

[الحجرات: ۱۲]

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید، چرا که بعضی از گمان‌ها گناه است؛ و هرگز (در کار دیگران) تجسس نکنید. ۳۲.

الله سبحانه و تعالی تجسس را در این آیه مبارکه که او تعالی فرموده - "تجسس نکنید" ممنوع قرار داده است. این ممنوعیت به طور کل شامل همه تجسس‌ها می‌گردد که شخص آنرا برای خودش یا کسی دیگر انجام می‌دهد و چه این را برای دولت و یا افراد و یا گروه‌ها و چه این که کسی که تجسس می‌کند، حاکم باشد یا رعیت مردود است. این کلام به طور کلی همه چیز و کاری که تجسس اطلاق گردد را شامل می‌گردد. بنابراین برای دولت خلافت مجاز نیست که از اتباع مسلمان یا ذمی تجسس کند. ۳۳.

یگانه استثناء زمانی می‌باشد که شواهد روشنی مبنی بر این که تبعه از دولت خلافت به وسیله دولت خارجی برای تجسس علیه دولت خلافت استفاده شود - سپس این قضیه بدون نقض حقوق عامه او مورد بررسی قرار می‌گیرد. ۳۴.

یک مثال از حفظ محرمیت خانه‌های مردم و عدم اجراءات عمل جزایی در داخل خانه آنها از زمان خلیفه راشد دوم اسلام، عمر بن خطاب رضی تعالی عنہ برای تان بازگو می‌کنیم.

عمر بن خطاب زمانی گزمه شبانه خود را در مدینه انجام می‌داد شنید که یک مرد در خانه‌ای آواز خوانی می‌کند. او از راه دیوار وارد آن خانه شد و یک زن و شراب را همراهی او دید. عمر گفت: "ای دشمن الله. آیا فکر می‌کنی که الله سبحانه و تعالی تو را ابتلاء نمی‌کند درحالی که تو مرتکب گناه شده‌ای؟" مرد گفت: "و شما ای امیر مومنان! مرا خیلی سخت نگیرید. من از الله در یک مورد نافرمانی کرده‌ام در حالی که شما سه نافرمانی او را کردید:

اول- او سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿...وَلَا تَجَسَّسُوا..﴾ [الحجرات: ۱۲]

"و تجسس نکنید" و شما تجسس کردید.

دوم- او سبحانه و تعالی می فرماید: ﴿...وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا..﴾ [البقره: ۱۸۹]

"و از درِ خانه‌ها وارد شوید" و شما از راه دیوار وارد شدید.

سوم- او سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿...لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا...﴾ [النور: ۲۷]

"در خانه‌هایی غیر از خانه خود وارد نشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه سلام کنید" و شما بدون اجازه داخل شدید.

عمر رضی تعالی عنه گفت: "اگر ترا ببخشم آیا آدم خوب می‌شوی؟" او پاسخ داد: "بلی."

عمر او را عفو کرد و رفت. ۳۵

## ۶ خصوصیت هفتم

### کنترول مرکزی و اداره کل اقتصاد

خلافت دارای اقتصاد برنامه ریزی شده نبوده در حالی که دولت کنترول و تنظیم تولیدات، توزیع و قیمت‌ها را از طریق برنامه‌های بزرگ همه جانبه اقتصادی در اختیار دارد. ملکیت خصوصی زمین، کارخانه‌ها، مغازه‌ها و شرکت‌ها به منظور تأمین منافع از سوی دولت خلافت بسیار زیاد تشویق می‌شود. در زمینه رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است:

"لَتَأْجُرَ الصَّدُوقُ الْأَمِينُ مَعَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ" (سنن ترمذی)

تاجر راستگو و امانت‌دار همراه پیامبران و صدیقان و شهدا حشر می‌شود. ۳۶

شریعت مداخلات دولت را در بیشتر عرصه‌ها در مورد اقتصاد محدود کرده است. نقض این توسط دولت، ظلم و ستم از سوی دولت (مظلومه) محسوب می‌شود که توسط دیوان اعمال نامنصفانه (محکمه مظالم) مسترد می‌گردد. قسمی که گفته شد، دولت خلافت مفکوره آزادی ملکیت که در نظام سرمایه‌داری موجود است را اجازه نمی‌دهد که در آن اگر تقاضای کافی وجود داشته باشد شرکت‌ها می‌توانند کالاها را عرضه نمایند، ولو که به جامعه عام آسیب برساند.

## ملکیت عمومی / خصوصی

اسلام میان ملکیت خصوصی و عمومی تحت دولت خلافت تمایز می‌بیند. در دولت خلافت مفهوم ملی‌سازی وجود ندارد که در آن ملکیت خصوصی زمانی که دولت ببیند اگر آن برای منافع عامه سودمند باشد، آنرا به دولت منتقل می‌کند. تنها در صورتی اگر ماهیت ملکیت تغییر کند، آنگاه می‌تواند ملکیت عامه قرار گرفته و به دولت منتقل شود. ۳۷ سه نوع ملکیت عامه وجود دارد که به واسطه شریعت تعریف شده است:

۱. شی یا مالی ملکیت عامه قرار می‌گیرد که یک شهر یا یک جامعه برای جستجوی آن پراگنده شوند در صورتی که آن قابل دسترس نباشد؛ مثل: آب، برق، گاز و ذخایر نفت.
۲. ذخایر غیر قابل شمارش مواد معدنی؛ مانند: معدن الماس.
۳. چیزهایی که فرد طبیعتاً نمی‌تواند مالک آن شود. از قبیل دریاها، بحیره‌ها، جهیل‌ها، کانال‌های عمومی، خلیج‌ها و تنگه‌ها. ۳۸

خارج از این دسته‌ها، همه اموال دیگر ملکیت خصوصی بوده و ممکن است متعلق به افراد باشد؛ اما در این میان ملکیتی وجود دارد که محض برای دولت است؛ مثل: ساختمان‌های دولتی، درآمدهای مالیاتی و سلاح‌های ارتش و اردو که این همه بنام "ملکیت دولتی" نامیده می‌شوند. ۳۹

بنابراین عوامل تولید: زمین، نیروی کار و سرمایه متعلق به دولت نبوده و توسط آن کنترل نمی‌شود؛ چون این موارد در اقتصاد برنامه‌ریزی شده و اقتضای دستوری حاکم است.

## تعیین نرخ

خلافت نمی‌تواند برای ثابت نمودن نرخ‌ها به طور مستقیم در اقتصاد دخالت کند. چنانچه امام احمد از انس روایت کرده که گفت:

"عَلَا السَّعْرُ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ، فَقَالُوا : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، سَعَّرَ لَنَا ، فَقَالَ : إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمُسَعِّرُ الْقَابِضُ الْبَاسِطُ ، وَإِنِّي لَأَرْجُو أَنْ أَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَلَيْسَ أَحَدٌ

## مَنْكُمْ يَطْلُبُنِي بِمَظْلَمَةٍ فِي دَمٍ وَلَا مَالٍ

در زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم نرخ بالا رفت. صحابه گفتند: ای رسول الله! کاش نرخ گذاری می کردی. آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرمودند: همانا الله، آفریننده و گیرنده و دهنده و روزی رسان است و او نرخ می گذارد و من امیدوارم که در حالی الله را دیدار کنم که کسی چیزی را که به ستم از او گرفته باشم، نه در خون و نه در مال، از من درخواست نکند. ۴۰

### پول چاپی (کاغذی)

امروزه جهان از واحد پول کاغذی استفاده می کند که نه پشتوانه آن طلا بوده و این پول دارای ارزش ذاتی (درونی) نمی باشد. ارزش کاغذ از اعتماد که مردم به اقتصاد دارند و دولتی که ارز را چاپ می کند، حاصل می شود. یکی از بزرگ ترین مظالمی که امروزه دولت ها مرتکب شده اند عبارت از در اختیار گرفتن چاپ پول و افزایش عرضه آن در بازار اقتصاد است. این امر منجر به تورم اقتصادی گردیده و در بعضی موارد زمانی که ارز، ارزش خود را در طی یک ساعت از دست می دهد، منجر به تورم شدید می گردد.

خلافت نمی تواند پول را زمانی که شرایط مناسب بود چاپ کند. پول در دولت خلافت بر اساس پشتوانه طلا و یا نقره می باشد. پول کاغذی در دوران بوده، ولی در هر زمانی این پول کاغذی معاوضه گردد باید ۱۰۰٪ مساوی به ارزش طلا و یا نقره قابل انتقال باشد. ۴۱

### مالیات

مالیات که توسط دولت خلافت تحمیل شود، از طرف شریعت ممنوع است. اگر مالیات ثابت از قبیل خراج، جزیه و عشر برای تأمین بودجه دولت کافی نبود، در آن صورت مالیات ثروت می تواند تحمیل شود. با این حال، این مالیات تنها از ثروت گزاف و بیش از حد مردم گرفته خواهد شد، نه از عواید و یا کالاها و کار آنها. مالیات ظالمانه از قبیل: تحمیل مالیات بر ارزش افزوده کالاها، کار و یا مالیات از عواید ممنوع می باشد. در مورد رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است:

"لَا يَدْخُلُ صَاحِبُ الْمَكْسِ الْجَنَّةَ"

باج گیرنده داخل جنت نمی شود.

## نتیجه گیری

ازین بحث مفصل واضح می‌گردد که ساختار نظام استبدادی به هیچ صورت با نظام حکومتی خلافت مقایسه نمی‌گردد. درحالی که سیاست‌داران و دانشمندان تلاش می‌کنند تا نظام خلافت را با نظام‌های موجود فعلی؛ مثل: نظام سلطنتی، امپراتوری و یا فدرالی تفسیر کنند. اما در حقیقت خلافت یک ساختار بی‌نظیر حکومتی است که با هیچ یکی از این نظام‌ها قابل مقایسه و برابری نیست.

از طرف دیگر پیوند دادن اسلام و خلافت به اصول نازی و حکومت استبدادی از طریق بحث‌های فکری و علمی تنها می‌تواند یک هدف را در پی داشته باشد و آن عبارت از افروختن "جنگ علیه تروریسم" که در واقع آن "جنگ علیه اسلام" است. چنین شایعه پراگنی‌ها علیه اسلام و خلافت به یقین که به شکست مواجه می‌گردد. چنان‌چه در دوران پیامبر صلی الله علیه وسلم نیز شکست خورد.

مبارزهای که قریش برای منفور سازی اسلام به راه انداخته بود، نتایج مطلوب را در پی نداشت و در واقع بیشتر مردم را برای شنیدن پیام رسول الله صلی الله علیه وسلم مجذوب کرد. علاقه بی سابقه مردم به اسلام و شماری کثیر از کسانی که در کشورهای غربی به اسلام متمایل و در نهایت گرویده‌اند، نشان دهنده ناکامی این تبلیغات است. پشتیبانی بی سابقه‌ای مردم از خلافت و توسل جستن غرب به خشونت به منظور جلوگیری از ظهور دوباره خلافت نیز نشان دهنده ناکامی و شکست این تبلیغات می‌باشد.

مژده‌ای که از طرف رسول الله صلی الله علیه وسلم جهت بازگشت خلافت پس از نظام‌های ظالمانه که مسلمانان امروز تحت آن زندگی می‌کنند، برای ما داده شده است و این بحث را با

این مژده پایان می‌دهیم. رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید:

"تَكُونُ النَّبُوءُ فَيَكُمُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونَ، ثُمَّ يَرْفَعُهَا اللَّهُ إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا. ثُمَّ تَكُونُ خِلَافَةً عَلَىٰ مِنْهَاجِ النَّبُوءِ، فَتَكُونُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونَ، ثُمَّ يَرْفَعُهَا إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا. ثُمَّ تَكُونُ مُلْكًا عَاصًا، فَتَكُونُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونَ، ثُمَّ يَرْفَعُهَا إِذَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَرْفَعَهَا. ثُمَّ تَكُونُ تَكُونُ مُلْكًا جَبْرِيَّةً، فَتَكُونُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونَ، ثُمَّ يَرْفَعُهَا إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا. ثُمَّ تَكُونُ خِلَافَةً عَلَىٰ مِنْهَاجِ النَّبُوءِ، ثُمَّ سَكَتَ" (أخرجه أحمد)

تا زمانی که الله مقدر نموده، نبوت و رسالت در میان شما باقی می‌ماند و زمانی که خود بخواید آن را از میان برمی‌دارد، و خلافت به منهج نبوت را جایگزین آن می‌سازد. این خلافت هم تا زمانی که الله متعال مقدر کرده، ادامه می‌یابد. سپس وقتی که او می‌خواهد، آن را از میان برمی‌دارد. و حکومت پادشاهی ستمگرانه بر سر کار خواهد آمد و تا زمانی که الله اراده نماید، عمر می‌کند و سپس از میان برداشته می‌شود و به دنبال آن حکومت پادشاهی مستبدانه و جبری ظاهر می‌شود که آن هم به اندازه‌ای که الله مقدر فرموده عمر می‌کند. بعد از آن به خواست الله متعال از میان برداشته شده و خلافت به منهج نبوت دوباره باز خواهد گشت. رسول الله صلی الله علیه وسلم بعد از آن سکوت اختیار فرمود. ۴۳

## منابع و مأخذ

1. WorldPublicOpinion.org with support from the University of Maryland, 'Muslims Believe US Seeks to Undermine Islam,' [http://www.worldpublicopinion.org/pipa/articles/home\\_page/346.php?nid=&id=&pnt=346&lb=hmpg2](http://www.worldpublicopinion.org/pipa/articles/home_page/346.php?nid=&id=&pnt=346&lb=hmpg2)
2. Khilafah.com, 'Indonesian Khilafah Conference 2007,' <http://www.khilafah.com/kcom/activism/asia/internationalkhilafah-conference-2007.html>
3. At-Tabaraani
4. Khilafah.com, 'HT Bangladesh calls upon the people to protest against insulting cartoons of Prophet Muhammad (saw),' <http://www.khilafah.com/kcom/activism/asia/ht-bangladesh-calls-upon-the-people-to-protest-againstinsulting-cartoons-of-prophet-muhammad-saw.html>
5. George Bush, 'President Bush Addresses the 89th Annual National Convention of the American Legion,' 28 August 2007, <http://www.whitehouse.gov/news/releases/2007/08/20070828-2.html>
6. Taqiuddin an-Nabhani, 'The Islamic State', translation of Dowlah Islamiyya, Khilafah Publications, p. 10

7. The American Heritage Dictionary of the English Language, 'Dictionary definition of totalitarian,' Fourth Edition
8. George W. Bush, 'Global War on Terror,' speech at Capital Hilton Hotel, 5 September 2006,
9. <http://www.whitehouse.gov/news/releases/2006/09/20060905-4.html>
10. David Cameron, 'Speech to Foreign Policy Think Tank,' 24 August 2005, <http://education.guardian.co.uk/faithschools/story/0,13882,1555406,00.html>
11. Tony Blair, Speech at Alfred Emanuel Smith Memorial Foundation Dinner, New York. Reported in The Times
12. Newspaper, 19 October 2007, <http://www.timesonline.co.uk/tol/news/uk/article2693173.ece>
13. Hizb ut-Tahrir, 'The Methodology of Hizb ut-Tahrir for Change,' Al-Khilafah Publications, p. 6
14. Taqiuddin an-Nabhani, 'The draft constitution of the Khilafah State. The Introduction and the incumbent reasons,' translation of Muqadimatud-Dustur Aw al-Asbabul Mujibatulah, Article 4
15. Sahih Muslim. On the authority of Abu Hurayrah (ra) شرح السنة (احاديث ( فقط) - ( 1 / 319
16. Sahih Muslim. On the authority of Huzayfah ibn al-Yamaan. المعجم (الأوسط) ( 3 / 190
17. Khilafah.com, 'Dhimmi: Non-Muslims living in the Khilafah,' <http://www.khilafah.com/kcom/the-khilafah/nonmuslims/dhimmi-non->

- muslims-living-in-the-khilafah.html
18. Abu 'Ubayd al-Qasim ibn Sallam, 'The Book of Revenue,' Translation of Kitab al-Amwal, Garnet Publishing Ltd, p.
  19. Taqiuddin an-Nabhani, 'The Islamic Personality,' Volume 2, translation of Shakhsiya Islamiyya, Dar ul-Ummah, Beirut, Fourth Edition, Chapter Ahkam adh-dhimmi
  20. Holy Qur'an, Translation of the Meaning, Chapter 3, Surah al-Imran, Verse 104
  21. Taqiuddin an-Nabhani, 'The Ruling System in Islam,' translation of Nizam ul-Hukm fil Islam, Khilafah Publications, Fifth Edition, p. 297
  22. Taqiuddin an-Nabhani, 'The draft constitution of the Khilafah State,' Op.Cit., Article 61
  23. Taqiuddin an-Nabhani, 'The Islamic Personality,' Op.Cit., Chapter 'The Meaning of the Khaleefah Supervising the Army's Leadership'
  24. Taqiuddin an-Nabhani, 'The draft constitution of the Khilafah State,' Op.Cit., Article 78
  25. Hizb ut-Tahrir, 'Khilafah State Organisations,' translation of Ajhizat dowlah ul-Khilafah, Dar ul-Ummah, Beirut, 2005, First Edition, Chapter al-I'laam
  26. Musnad Ahmad on the authority of Huzayfah.
  27. Sunan Abu Dawud
  28. Jalal ad-Din as-Suyuti, 'Tarikh al-Khulafa,'
  29. Sahih Muslim on the authority of Hisham b. Hakeem
  30. Sunan Abu Dawud, on the authority of Abdullah ibn Zubayr. رواه أبو داود

وصححه الحاكم

31. Al-Baihaqqi
32. Taqiuddin an-Nabhani, 'The draft constitution of the Khilafah State,' Op.Cit., Article 7
33. Musnad Ahmed on the authority of Abu Hurairah . (1699 /3) رواه مسلم .  
في كتاب الآداب، باب تحريم النظر في بيت غيره
34. Holy Qur'an, Translation of the Meaning, Chapter 49, Surah Al-Hujurat, Verse 12
35. Taqiuddin an-Nabhani, 'The Islamic Personality,' Op.Cit., Chapter 'Spying'
36. Hizb ut-Tahrir, 'Khilafah State Organisations,' Op.Cit., Chapter 'The tasks of the internal security department'
37. Al-Khara'iti quoted in "Makarim Al-Akhlaq" on the authority of Thawr Al-Kendi
38. Tirmidhi
39. Taqiuddin an-Nabhani, 'The Economic System of Islam,' translation of Nizam al-Iqtisaad, Al-Khilafah Publications, Fourth Edition, p. 212
40. Ibid, p. 206
41. Ibid, p. 210
42. Musnad Ahmed on the authority of Anas
43. Taqiuddin an-Nabhani, 'The Economic System of Islam,' Op.Cit., p. 268
44. Abdul-Qadeem Zalloom, 'Funds in the Khilafah State,' translation of Al-Amwal fi Dowlat Al-Khilafah, Al-Khilafah Publications, 1988, p. 120

45. Musnad Ahmed

